

جزوه

نظریه ها و

مسائل اقتصادی

خانواده

مقدمه:

مگر خانواده‌ها هم در موضوع تولید و سرعت بخشی و جهش دادن به تولید کشور می‌توانند موثر باشند؟ مگر خانواده، کارگاه یا کارخانه تولیدی است؟ اما اگر نگاهی کارشناسانه و البته کارکردگرایانه به خانواده داشته باشیم، درخواهیم یافت که خانواده به عنوان هسته اولیه تشکیل دهنده جامعه است و اساساً مصرف که مرحله بعد از تولید است در خانواده کلیک می‌خورد و نوع مصرف به تولید جهت می‌دهد. بنابراین با صرف نظر از اقدامات حاکمیتی (مانند گمرک، مالیات، جلوگیری از قاچاق و...) در این موضوع، این خانواده‌ها هستند که با رفتارشان شکل، نوع و میزان مصرف را به جامعه تولیدگر منعکس می‌کنند و بر جهش یا رخوت و رکود تولید تاثیر بسزایی خواهند داشت.

اهمیت اقتصاد خانواده

تاکنون بارها کلمه اقتصاد را در گفته‌ها و نوشته‌هایمان به کار برده ایم و یا در صحبت‌ها و سخنرانی‌ها شنیده ایم و شاید کمتر کسی را بتوان یافت که به نوعی با اقتصاد و عوارض و آثار آن به طور مستقیم و یا غیر مستقیم درگیر نباشد. هنگامی که شما از بالا رفتن هزینه زندگی و نابسامانی اوضاع اقتصادی خانواده صحبت می‌کنید یا هنگامی که در کوچه، خیابان، مدرسه، مسجد و منزل صحبت‌های فراوانی پیرامون پول، درآمد، گرانی، کمبود، مالیات، سود و ضرر و فقر و ثروت... از طرف مردم عادی و گاهی افراد متخصص این مسأله مطرح می‌شود، نشان می‌دهد دنیای اطراف ما مملو از مباحث و پدیده‌های اقتصادی است و هر کس به نوعی درگیر معنای واقعی اقتصاد شده. مسائل اقتصادی یکی از مهمترین دغدغه‌های اکثر خانواده‌هاست و آشنایی خانواده‌ها با اصول علمی اقتصاد خانواده می‌تواند آنها را به اتخاذ بهترین تصمیم‌ها به منظور دستیابی به اهداف بهتر و زندگی مرفه‌تر یاری کند لذا بر آن شدیم در جهت افزایش مطالعات خانواده‌ها در زمینه مدیریت اقتصادی مطالبی را ارائه نماییم. اقتصاددانان کالسیک بخصوص بعد از جنگ جهانی دوم به تجلیل رفتارهای اقتصادی خانواده به عنوان اولین سازمان اجتماعی دست زده‌اند و هیچ جنبه‌ای از زندگی خانوادگی نبوده که از نظر اقتصاددانان دور مانده باشد و اقتصاد خانواده شامل مباحث بسیار وسیع و گسترده‌ای از قبیل مسائل و موضوعات بسیار خصوصی خانوادگی مثل ازدواج، روش‌های کنترل بارداری؛ تعداد فرزند، تعداد ساعات کار و صدها مسأله دیگر

نیز می شود، اما در این مجموعه سعی شده است که مطالبی کاربردی تر و در ارتباط با اقسام اصلی تشکیل دهنده سبد هزینه های خانواده، مطرح می شود.

اقتصاد خانواده چیست؟

کوچکترین واحد اجتماع، خانواده است. خانواده محل اصلی زندگی، مصرف، تربیت و سایر آموزش های انسان بوده و رفتار تمامی کارکنان و شاغلین متأثر از فرهنگ خانواده آن هاست. لذا اگر خانواده ها از جنبه فرهنگ و الگوهای رفتاری و طرز نگرش به امور اقتصادی پیشرفت کنند، می توان گفت فرهنگ کار و تولید در کشور پیشرفت کرده است. در تمام جوامع اعم از ابتدایی، در حال توسعه و توسعه یافته، خانواده مهم ترین عامل تولید و توزیع کالا و خدمات در جامعه می باشد که یکی از مهمترین تولیدات آن نیروی انسانی یعنی بقای نسل است. به همین جهت است که اقتصاددانان، خانواده را بنیان زندگی اقتصادی جوامع می دانند. قبل از اینکه به تعاریف اقتصاد خانواده پردازیم لازم است تا حدودی با معنای اقتصاد آشنایی پیدا کرده و سپس رابطه اقتصاد و خانواده را بیان کنیم.

تعریف اقتصاد چیست؟

برای همه ی ما لازم است درباره اینکه اقتصاد چیست و چگونه زندگی روزمره ی ما را تحت تاثیر قرار می دهد چیزهایی بدانیم. بزرگترین اسمها در اقتصاد را بشناسیم و درباره ی بعضی متغیرهای اصلی که فعالیت های اقتصادی و تجاری بر اساس آنها اتفاق می افتد، قدری اطلاعات داشته باشیم.

فلسفه ی اقتصاد همچون علم تصمیم گیری، زندگی روزمره ی ما را اداره می کند. حتی اگر ما به این مسئله آگاه نباشیم. هنگامی که ما نرخ سود کارت اعتباری مان را اندازه می گیریم یا بررسی می کنیم که یک ماشین جدید بخریم، خانه ای را اجاره کنیم یا برای شام بیرون می رویم یا به تعطیلات می رویم، در همه ی این تصمیم گیری ها ما فکرها و محاسبات اقتصادی می کنیم. ما در جهانی زندگی می کنیم که منابع محدودی دارد و اقتصاد به ما کمک می کند تا این منابع محدود را طوری مصرف کنیم که نیازهای بی پایان ما را پاسخ بدهد. اقتصاد حوزه ی بسیار گسترده ای است و تاریخچه ی پربراری دارد و افراد تاثیرگذار بسیاری، از فیلسوفان گرفته تا سیاستمداران در آن کاوش کرده اند و نظریه ها را آزموده اند.

به هر حال برای « اقتصاد » که اقتصاددانان از بحث می کنند تعاریف مختلفی ارائه شده است.

ارسطو : علم اقتصاد یعنی مدیریت خانه.

آدام اسمیت : اقتصاد ، علم بررسی ماهیت و علل ثروت ملل است.

استوارت میل : اقتصاد ، عبارت است از بررسی ماهیت ثروت از طریق قوانین تولید و توزیع

آلفرد مارشال : اقتصاد، عبارت است از مطالعه بشر در زندگی شغلی و حرفه ای. در تعریف دیگر :

علم اقتصاد بررسی کردارهای انسان در جریان عادی زندگی اقتصاد یعنی کسب درآمد و تمتع از آن

برای تربیت دادن زندگی است.

در ساده ترین و قابل فهم ترین تعریف، اقتصاد مطالعه‌ی نحوه‌ی استفاده‌ی جامعه از منابع محدودش است.

اقتصاد علمی اجتماعی است که با تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات پیوند خورده است.

اقتصاد تمرکز بسیار زیادی بر روی چهار عامل تولید یعنی: زمین، نیروی کار، سرمایه و کسب و کار

دارد. اینها چهار عنصری هستند که فعالیت اقتصادی را در جهان ما می‌سازند و هر یک می‌توانند به

صورت مجزا مطالعه شوند.

رابطه اقتصاد و خانواده:

خانواده نیز با برخورداری از دو عامل مهم تولید یعنی ۱- سرمایه و ۲- نیروی انسانی یک واحد

اقتصادی است. اقتصاد خانواده را هم می توان چگونگی ساماندهی و مدیریت منابع خانواده تعریف کرد

اما آیا می دانید این منابع کدامند؟ می توان فهرست کاملی از زمان پول، فضای زندگی و... تهیه کرد.

این منابع در ظاهر متفاوت به نظر می رسند ولی آنها همگی دارای یک ویژگی مشترک یعنی کمیابی

هستند. اما آنچه مسلم است این است که خانواده ها منبع و بودجه محدود دارند و کمیابی برای اکثر

خانواده ها یک پدیده عمومی است. لذا خانواده مجبور است با توجه به منابع محدود، از میان خواسته

های خود انتخاب کند و به گونه ای تصمیم بگیرد که مجموع اعضای خانواده به بیشترین رضایت خاطر

برسند (مطلوبیت). اینکه چه مصرف کنیم؟ چقدر مصرف کنیم؟ چگونه مصرف کنیم؟ چه کسی کار کند؟

چند ساعت کار کند؟ چگونه از درآمد، حداکثر استفاده انجام شود؟ چه چیزهایی را در منزل به تولید

برسانیم؟ و... پرسش هایی است که هر روز در خانواده ها مطرح است و تصمیم گیری اقتصادی، مستلزم انتخاب درست و صحیح آنهاست.

انتخاب، قلب اقتصاد خانواده است. بهترین انتخاب، یک تصمیم اقتصادی است. بدیهی است که این تصمیم گیری برای خانواده های مختلف، متفاوت است و با توجه به درآمد خانواده ها، ترجیحات و سلیقه های اعضای خانواده، نوع زندگی، سن و جنس اعضا و آداب و رسوم آنها تعیین می شود و هر خانواده، خود، باید بهترین انتخاب را به عمل آورد. با برخورد آگاهانه، کسب دانش و فراگیری اصول علمی اقتصاد خانواده، می توان بهترین تصمیم ها را به منظور دست یابی به اهداف بهتر اتخاذ و زندگی بهتر و مرفه تری فراهم کرد.

تعریف اقتصاد خانواده:

اقتصاد خانواده عبارت است از؛ تخصیص منابع محدود قابل دسترس به مهم ترین نیازها و خواسته های خانواده؛ در این تعریف منظور از منابع همان مبادی و راههای درآمدی خانواده است که طبیعتاً محدود اما قابل حصول است و نیازها همان مسائل متعددی است که بقا و شالوده خانواده به ارضای آنها بستگی دارد و به طور کلی شامل نیازهای اولیه و ثانویه خانواده می باشد. سرپرست خانواده با در نظر گرفتن درآمد محدود و وجود نیازهای اساسی باید بهترین ترکیب را در میزان هزینه ها به وجود آورد و از درآمد حاصل، بهره برداری بهینه کند.

نکات مهم در اقتصاد خانواده:

➤ فرق اساسی بین اقتصاد خانواده و اقتصاد در بازار این است که در اقتصاد بازار فرض می شود واحد اقتصادی خودخواه است و هدف آن حداکثر کردن سود است. اما در خانواده اولاً هدف حداکثر کردن سود یا حداقل کردن مصرف نیست بلکه رضایت خاطر اعضا و حداکثر استفاده آنها با توجه به اهداف خانواده است و ثانیاً خانواده خودخواه فرض نمی شود بلکه منافع افراد خانواده به هم مرتبط است.

➤ لازم است خانواده ها مسائل خود را برپایه منافع مادی و معنوی خود و همچنین منافع ملی تحلیل و مقدار مصرف خود را مشخص کنند زیرا در بعضی موارد به نظر می رسد که هزینه های زیادی به خانواده تحمیل نمی شود اما در واقع به دلیل اینکه منافع ملی به خطر می افتد به طور مستقیم یا غیر مستقیم بر اقتصاد خانواده اثر می گذارد.

ارکان اقتصاد خانواده:

صرف نظر از این که درآمد خانواده ها چه مقدار باشد، خانواده غنی باشد یا فقیر، درآمد خانواده ها صرف خرید تعدادی کالا نه یک کالا می شود؛ یعنی خانواده درآمد خود را صرف خرید فقط یک کالا مثل گوشت، سیب زمینی و... نمی کند و آن را به انواع کالاها، غذا، پوشاک، مسکن و... اختصاص می دهد. حتی برای تهیه یک نوع غذا هم به تعداد زیادی از مواد نیاز دارد. تنها غذا کافی نیست خانواده درآمد خود را صرف خرید لباس، مسکن و... می کند. هر خانواده ای می تواند درآمد خود را به نسبت های متفاوت صرف خرید کالاها مورد نیاز کند؛ که این انتخاب نسبت ها از پنج اصول زیر پیروی می کند

رکن اول: خانواده مجموعه ای از کالاها را به نسبت های متفاوت مصرف میکند.

مصرف بیشتر از یک کالا بر مصرف مقدار کمتر ترجیح دارد. برای بیشتر افراد، نیاز بیش از امکانات است؛ یعنی اگر برایشان امکان داشت از کالاها و خدمات بیشتری استفاده میکردند، آنان حتی بعد از رسیدن به درجه ای از رفاه، به دنبال بالا بردن کیفیت کالاها و خدمات می رفتند، مانند فرش مرغوبتر، تفریح مناسبتر، اتومبیل بهتر، مدارس بهتر، درمان بهتر، خانه ی مسکونی بهتر و ...

رکن دوم: مصرف بیشتر از یک کالا برای یک خانواده بر مصرف کمتر ترجیح دارد.

مطلوبیت بیشتر، بهتر از مطلوبیت کمتر است، پس خانواده با توجه به درآمد، باید مجموعه ای از کالاها را خریداری کند که بیشترین رضایت خاطر فراهم آید. بهترین انتخاب با توجه به درآمد خانواده های

مختلف، متفاوت است. از آن جا که رضایت خاطر در افراد و خانواده های مختلف با مصرف کالاهای گوناگون به دست می آید، هر خانواده مجبور به انتخاب مستقل است. بنابراین، یک انتخاب واحد برای تمامی خانواده ها وجود ندارد. به منظور انتخاب بین خواسته ها، نمی توان از بیرون برای یک خانواده تصمیم گرفت و بیشترین رضایت خاطر، با توجه به شرایط هر خانواده تعیین میشود. باید توجه داشت که مطلوبیت (رضایت) خانواده را نمی توان با ماشین حساب تعیین و یا به دقت اندازه گیری کرد. مطلوبیت با احساس و برداشت، محاسبه می شود. همان طور که پروانه بدون آموزش پرواز میکند، خانواده هم حتی بدون خواندن این فصل میتواند تصمیم عقلانی بگیرد.

چه مقدار از یک کالا مصرف کنیم؟

فرض کنید که در یک روز گرم تابستان، پس از ساعتها تحمل گرما به خانه میآیید. نوشیدن آب گوارا یا شربت خنک، برای شما لذت زیادی دارد. مادر دومین لیوان آب را به شما می دهد دومین لیوان آب را می نوشید و لذت میبرید. ولی واضح است که لذت لیوان اول بسیار بیش از لذت لیوان دوم است. اگر مادر مرتب لیوان سوم و چهارم و... را به شما بدهد، رفته رفته لیوان بعدی لذت کمتری از لیوان قبلی ایجاد میکند تا جایی میرسد که نه تنها از نوشیدن نوشیدنی لذت نمیبرید بلکه با عدم لذت هم مواجه موی شوید؛ به عبارت دیگر، اگر شما یک لیوان نوشابه را با لذت بخورید میتوان گفت مطلوبیت مثبت دارد. نوشابه اول لذت بسیار بالایی دارد. ولی با خوردن نوشابه های بعدی لذت، کمتر و کمتر میشود و به صفر میرسد و در نهایت با عدم لذت مواجه میشویم.

رکن سوم: در استفاده از هر کالایی، رعایت اعتدال مهم است.

از یک کالا تا آنجا میتوان مصرف کرد که برای فرد لذت (مطلوبیت) ایجاد کند. این شامل تمامی کالاهای اقتصادی و غیر اقتصادی می شود. پس در انتخاب بین خواسته ها، توجه به حفظ اعتدال مهم است. چگونه مصارف مختلف را با یکدیگر جایگزین کنیم؟

انسانها در زمان واحد، مقداری از هر یک از نیازهای خود را میطلبند. اگر گفته شود که افراد در دورافتاده ترین و فقیرترین نقاط فقط به فکر سیر کردن شکم خود هستند، دور از واقعیت است. آنها

بنابر طبیعت انسانی، به غیر از غذا به سایر کالاها و خدمات نیز نیاز دارند. از آنجا که درآمد برخی از خانواده ها به مقداری نیست تا هراندازه که تمایل دارند از کالاها و خدمات استفاده کنند، از این رو مجبورند که از مصرف یک یا چند نوع کالا بکاهند. برای این منظور خانواده به چند مود توجه میکنند:

اول: خانواده به درآمد خود توجه میکنند. هرچه درآمد بالاتر باشد، خرید تعداد بیشتری از کالاها و تهیه خدمات امکان پذیر است.

دوم: کالاها را میتوان به دو گروه ضروری و غیر ضروری تقسیم کرد، بدیهی است اولویت را باید به گروه کالاهای ضروری داد.

سوم: بعضی از کالاها هستند که میتوانند جانشین یکدیگر شوند. برای مثال در زمینه مواد غذایی می توان انواع مختلف گوشت را جایگزین یکدیگر کرد، برای بدست آوردن پروتئین مورد نیاز می توان از انواع تأمین کننده های پروتئین استفاده کرد و یا انواع مختلف نان، برنج و سیب زمینی جانشین همدیگر هستند. این کالاها را کالاهای جانشین میگویند. شناخت خواص خوراکیهای مختلف، کمک زیادی به هزینه خانواده می کند. به طوری که میتوان مواد غذایی لازم برای تغذیه خانواده را با هزینه های مختلف بدست آورد. بعضی از کالاها مکمل یک دیگرند و به تنهایی نمیتوانند مصرف شوند، مثل چای، قند، و... این کالاها به هم بستگی دارند و به تنهایی نمی توانند مصرف شوند.

چهارم: بعضی از کالاها از قبیل گوشت، کفش دست دوز و... را کالای مرغوب می گویند. منظور از مرغوب، کیفیت کالا نیست. بلکه قیمت آن است. برخی از کالاها مثل سیب زمینی (در مقابول برنج) را نیز کالای نامرغوب میگویند.

خانواده ها با افزایش درآمد، سعی می کنند کالای مرغوب را جایگزین کالای نامرغوب کنند. یعنی با افزایش درآمد، مردم سعی می کنند غذای مرغوبتر، کفش مرغوبتر، اتومبیل مرغوبتر و... خریداری کنند.

پنجم: همه ما وقتی به خرید می رویم، قبل از هر چیز به قیمت کالاها نگاه می کنیم. برای مثال، در ابتدای فصل بهار، به سبب آنکه قیمت هندوانه گران است، خانواده های دارا هم مقدار کمتری از آن را خریداری می کنند، ولی در فصل تابستان که قیمت هندوانه ارزانتر است، مقدار بیشتری توسط طبقات مختلف

خریداری می شود. خانواده با آشنایی مختصر با علم تغذیه میتواند از میوه ها و یا مواد جانشین استفاده کند.

رکن چهارم: یک خانواده عقلایی همگام بالا بودن قیمت، فصل نامناسب ویا... سعی در یافتن جایگزین مناسب برای کالای مورد نظر میکند تا بتواند با هزینه کمتر به هدف خود دست یابد. تفاوت در سلیقه و ترجیحات خانواده ها هرچند که رفتار انسانها شباهت بسیاری به هم دارد، ولی خصوصیات هیچ دو فردی با هم یکسان نیست. این تفاوت در خصوصیات فراتر از اختلاف های ناشی از استعداد، شخصیت، ظاهر و مسوولیت افراد است. همواره ما شاهد هستیم که سلیقه و تمایلات افراد، مورد پرسش دیگران قرار میگیرد و گاهی اوقات به شکل ناپسندی در جامعه بروز می کند.

مثال این چه رنگ لباسی است که فالنی پوشیده است؟ این چه غذایی است؟

ارزشها حتی اگر برای عده ای از افراد یکسان باشد، برای گروهی از اشخاص در مقایسه با دسته ای دیگر متفاوت است. هم چنان که رفتار غذایی در خانواده های مختلف در یک شهر و یا در نقاط مختلف کشور متفاوت بوده و رفتار غذایی یک خانواده مورد پسند خانواده دیگر قرار نمی گیرد، این تفاوت سلیقه در مورد تمامی کالاهای مصرفی خانواده اعم از پوشاک، مسکن تزئین خانه و... نیز مشاهده می شود. البته بعضی از این تفاوتها جنبه فرهنگی و سنتی دارد و برخی دیگر کاملاً فردی است. تمایلات و ترجیحات افراد، متفاوت است. از این رو هیچ دو خانواده ای را نمیتوان یافت که با دو سبد یکسان از فروشگاه خارج شوند. تنوع ترجیحات افراد یکی از مهمترین حقایق زندگی بشر است. لذت (مطلوبیت) به ترجیحات درونی بستگی دارد و مستقل از درآمد و یا قیمت است. به همین، دلیل انواع کالاها در اقتصاد تولید میشود و افراد با انواع ترجیحات و سلیقه ها کالاهای مختلف را انتخاب میکنند.

رکن پنجم: ترجیحات و سلیقه ها افراد و خانواده ها با یکدیگر متفاوت بوده و این یکی از رموز طبیعت است.

تعریف بهره وری

بهره وری که یکی از مفاهیم اقتصاد است اینگونه تعریف میشود: مقدار کالا و یا خدمات تولید شده در مقایسه با هر واحد از انرژی و یا کار هزینه شده به دیگر سخن بهره وری عبارتست از بدست آوردن حداکثر سود ممکن با بهره گیری و استفاده بهینه از نیروی کار، توان، استعداد و مهارت نیروی انسانی، زمین، ماشین، پول، تجهیزات، زمان، مکان و ... به منظور ارتقاء رفاه.

برخلاف پندار برخی افراد بهره وری فقط برای صنایع نیست بلکه بهره وری سطوح مختلفی دارد و همه افراد در همه سطوح نقش دارند یعنی اینکه افراد میتوانند با تفکر، ابداعات و نوآوری های خود عملاً در چند سطح گوناگون موثر واقع گردند.

بهره وری دارای سطوح متفاوت و فراگیری است. سطح بهره وری شامل: فرد، خانواده، سازمان، کشور و بالاخره جهان است.

بهره وری را در خانواده چگونه افزایش دهیم.

فرض کنید برای پخت برنج میتوانید از برق، گاز و... استفاده کنید. اما از کدام یک استفاده می کنید؟ بدیهی است که بدون توجه به قیمت نفت و برق و گاز نمی توانید به این پرسش پاسخ دهید. اگر از پلوپز برقی استفاده کنید، برای پخت غذا، به طور مثال ۳ کیلووات برق لازم است و با توجه به این که قیمت هر کیلووات برق ۵۰ تومان است، هزینه برق پخت غذا در روز ۱۵۰ تومان می شود. اگر از گاز استفاده کنید، هزینه ی آن ۵۰ تومان میشود.

بنابراین، اگر خانم خانه دار از وسایل گازسوز برای طبخ غذا استفاده کند، بدون این که کیفیت غذا تغییر کند، صرفه جوئی بیشتری در هزینه های خانواده انجام میشود. اگرچه در کسب درآمد این خانواده هیچ تغییری حاصل نشده است، ولی خانواده می تواند خواسته های بیشتری را تأمین کند.

برای کاهش هزینه خانواده، قبل از استفاده از هر روشی، قیمت روشهای مختلف را با هم مقایسه کنید. آن گاه از روشی استفاده کنید که پایین ترین هزینه را برای خانواده داشته باشد.

در انتخاب وسایل زندگی با توجه به قیمت نفت، گاز برق، آن وسیله ای را انتخاب کنید که بتوانید به خواست خود به کمترین هزینه دست یابید. اگر گاز ارزان است، از استفاده کالاهای برقی برای سوخت خودداری کنید و

سعی کنید وسایل را گازسوز کنید. خانواده میتواند بر کمیابی و کمبود امکانات، با جایگزینی بین کالاهای مختلف فائق آید، بدون این که تغییری در مطلوبیت ایجاد شود.

تأثیر اشتغال مادران بر خانواده:

به وضوح می توان دید که نیروی کار در دنیا دستخوش چه تغییراتی شده است. جمعیت رو به پیری است، تعداد زوجینی که هر دو شاغل هستند رو به افزایش گذاشته و زنان بیش از پیش وارد بازار کار شده اند. ساختار و منابع خانواده نیز در سه دهه گذشته تغییر کرده است و افزایش نرخ طلاق، تغییر در آرایش زندگی و افزایش مشارکت مادران در بازار کار از مصادیق آن است. به طور سنتی مردان نانآوران خانواده محسوب می شوند و زنان مسول نگهداری از فرزندان و خانه هستند. با چنین الگویی، زمان اشتغال به کار در خارج از منزل با وقت لازم برای امور مادرانه در رقابت خواهد بود. از سوی دیگر داشتن همسری که درآمد زیادی دارد می تواند سبب کاهش انگیزه زنان برای کار شود و یا بلعکس بر خورداری از امکانات یا کمک در نگهداری از کودکان ممکن است اشتغال به کار را برای مادران تسهیل کند. زنان برای تصمیم گیری همواره با این سوال مواجه هستند که چه چیزی برای خانواده آنها بهتر است و یا خانواده چگونه از تصمیم مادر حمایت خواهد کرد. تعداد اعضای خانواده و شرایط و خصوصیات آنها نیز عوامل دیگری هستند که روی احتمال اشتغال مادر تاثیر می گذارند. هر قدر تعداد فرزندان خانواده بیشتر باشد احتمال اشتغال مادر کمتر خواهد بود. ضمن آنکه اگر مشغله مورد خانواده زیاد باشد، زمانی که میتواند در نگهداری از فرزندان با مادر همکاری کند کاهش می یابد. میزان درآمد شوهر نیز می تواند بازگشت مادر به محل کار را تحت تاثیر قرار دهد. وابستگی خانواده به درآمد مادر عامل دیگری است که احتمال بازگشت زن به محل کار، تداوم اشتغال و حتی افزایش ساعات کاری او را بیشتر می کند؛ اما وقت و درآمد، تنها عوامل تاثیرگذار نیستند. نگرش شوهران نسبت به کار و زمانبندی اشتغال زنان نیز در این امر تاثیر بسزایی دارد. مشارکت بیشتر مادران در بازار کار بدین معناست که آنان، بیشتر با زندگی کاری خود درگیر خواهند بود و میزان «کارمحوری» در آنان افزایش می یابد. این امر گاهی به قیمت مسوولیتهای خانوادگی زنان تمام میشود. تردیدی نیست آنچه در محل کار مادر اتفاق می افتد و نحوه تعامل شغل مادر خانواده با زندگی خانوادگی بر روابط درون خانواده تاثیر می گذارد. تعارض نقش های کاری و خانوادگی می تواند منبع ایجاد استرس و افسردگی

برای زنان باشد. به این دو عامل، مدت زمان اشتغال مادران را نیز باید اضافه کرد. شاید به همین دلیل است که اکثر سیاستهای حمایت از خانواده روی مدت زمان کار زنان متمرکز است. اگرچه به نظر می رسد اشتغال و فعالیت اجتماعی مادر، او را به مهارتها و منابعی مجهز می کند که می تواند به نیازهای عاطفی و مالی فرزندان پاسخ بهتری بدهد اما در بسیاری موارد عدم تعادل بین الزامات شغلی و خواسته های خانواده برای فرزندان بحران ساز نیز می شود. در برخی موارد تصور مردان این است که اشتغال زن سبب می شود، او زمان کمتری را به وظایف زناشویی اختصاص دهد و توجه کمتری به فرزندان مبذول دارد. علاوه بر این، زنانی که بخشی از وظایف اداری خود را در منزل انجام می دهند ناگزیرند حجم بیشتری از این اتهام را تحول کنند. از سوی دیگر میتوان دید که سیاستهای حمایت از خانواده برای کاهش استرس های شغلی مادران، نواتان و ناکارآمد هستند چرا که نمیتوانند روی تقسیم جنسیتی کار در خانواده تاثیر بگذارند.

اشتغال زنان

امروزه شاغل بودن زنان، یکی از مسائلی است که در اجتماع مطرح است و زنان به علل گوناگون به کار روی می آورند و حتی مجبور گشته اند علاوه بر مسئولیت های خود در خانواده و تربیت فرزندان، مسئولیت های اجتماعی را نیز پذیرا گردند. در اینجا است که ما با قشری به عنوان «زنان شاغل» روبه رو می شویم. افرادی که در دو جبهه مهم یعنی جامعه و خانواده مشغول خدمت و انجام وظیفه می باشند.

در گذشته، زن، غالباً نقش مادر و همسر را به عهده داشت و به انجام امور خانه می پرداخت. اگر هم در اموری مانند کشاورزی و دامداری و امثال آن شرکت داشت، دامنه چنین مشارکت هایی در حدی بسیار محدود و منحصر به تأمین نیازهای خانواده بود اما با تغییر شرایط اقتصادی و اجتماعی و پیچیده تر شدن تقسیم کار، امروزه زنان علاوه بر ایفای نقش های فوق، پذیرای مسئولیت های عمده تر نظیر اشتغال در بیرون از خانواده می باشند.

منظور از اشتغال، حرفه یا کار است که فرد در عوض آن حقوق یا خدمتی دریافت می کند.

اشتغال زنان با پیشرفت جوامع، تغییر و تحول پیدا کرده است. ورود ماشین و صنعت بر اشتغال زنان اثر گذاشته و آنان را از مشاغل سنتی به سوی بخش های صنعتی سوق داده است. نیل به تعادل های اساسی جغرافیایی،

افزایش مشارکت های آگاهانه سیاسی و اجتماعی در برنامه ریزی های توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کشور، ریشه کن کردن بی سوادی و گسترش آموزش های فنی و حرفه ای با افزایش میزان اشتغال زنان و مشارکت های اقتصادی آنان، رابطه تنگاتنگ و در هم تنیده دارد و همین طور بهبود الگوی معیشتی خانواده، نحوه تنظیم روابط درون خانواده و تربیت فرزندان از جمله مواردی است که ارتباط نزدیک با میزان سواد و تحصیلات و مشارکت هوای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی زنان در بیرون از خانوار دارد.

زنان باید در تصمیم گیری، به ویژه در امور مربوط به توزیع کار، منابع، درآمد و هزینه، مشارکت بیشتری پیدا کنند. چنین مشارکتی را باید هم از طریق سازمان هایی که خود زنان تشکیل می دهند و هم از راه عضویت آنها در سازمان های دیگر تشویق کرد.

اشتغال زنان در مشاغل فنی و حرفه ای و تولیدات صنعتی جدید رو به افزایش است. این امر نشان می دهد که زنان به تعدادی از مشاغل که تا زمان های گذشته در قلمرو مردان بوده، دسترسی پیدا کرده اند.

عوامل مؤثر در نرخ اشتغال زنان:

الف) شرایط اجتماعی و فرهنگی:

ب) شرایط ازدواج:

ج) سطح تحصیلات:

د) تعداد موالید:

موانع اشتغال زنان

برخی از مسائل و مشکلات اشتغال زنان، موانع توسعه ای است که به ساختار کشورها مربوط می شود و بخشی از آن موانع غیر توسعه ای و غیر ساختاری می باشد. از موانع توسعه ای؛ موانع اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را می توان نام برد و موانع غیر توسعه ای نیز به ویژگی های شخصیتی و فیزیولوژی زنان باز می گردد.

۱) موانع غیر توسعه ای و غیر ساختاری

۱- پایین بودن سطح تحصیلات و مهارت زنان.

۲- عوامل اجتماعی و خانوادگی

۳- بحران های اقتصادی:

۴- عادات، رسوم، سنت ها:

۵- قوانین ناظر بر خانواده:

۶- میزان سواد زنان شاغل:

۲) موانع توسعه ای:

الف) موانع فرهنگی

از مهم ترین موانع فرهنگی بر سر راه اشتغال زنان در ایران می توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱- باورهای غلط اجتماعی مبنی بر عدم مشارکت زنان در فالیته ها

۲- عدم آگاهی زنان ایرانی نسبت به حقوق شهروندی خود

۳- عدم آگاهی زنان از زمینه های مختلف اجتماعی و اقتصادی موجود برای فالیته

۴- بالاتر بودن نرخ بی سوادی زنان نسبت به مردان

۵- پایین بودن درصد متخصصین و دارندگان مدارج علمی در بانوان نسبت به مردان

ب) موانع اجتماعی

ج) موانع اقتصادی

در خصوص موانع اقتصادی مشارکت زنان عامل مهم آن کار خانه داری بدون دستمزد زنان در جامعه ما می باشد در یک نظام محاسباتی به موازات نظام محاسبات مالی، می تواند اندازه گیری و تخمین زده شود. این امر با توجه به این که حدود سه چهارم زنان جامعه را خانه داران تشکیل می دهند، از جهت زدودن باورهای غلط فرهنگی نسبت به کارهای خانگی و منزلت زنان، هم چنین از لحاظ ایجاد رشد و امنیت روانی و حقوقی و اقتصادی زنان خانه دار، به خصوص از نقطه نظر تربیت فرزندان، قابل توجیه و حائز اهمیت می باشد.

توجه به امکانات و قابلیت ها

از جمله این توانایی ها و امکانات موجود در زنان عبارتند از:

الف) وجود استعداد سرشار در زنان ایرانی

ب) تمایل و علاقه مندی بانوان ایرانی جهت مشارکت در فعالیت های اجتماعی

ج) فراهم آمدن شرایط مناسب فردی برای بانوان نظیر شجاعت در اظهار نظرها و تصمیم گیری ها

د) وجود نظر مساعد مسئولان مبنی بر گسترش میزان مشارکت زنان

ه) امکان دستیابی به مسئولیت های مهم مملکتی توسط بانوان

به طور کلی، مشارکت و برنامه ریزی برای رفع تدریجی موانع و محدودیت ها با شناخت دقیق مسائل زنان در ابعاد منطقه ای و ملی می تواند در رشد و توسعه مشارکت زنان تأثیر بسزایی داشته باشد.

راهکارهای نهادینه کردن مشارکت زنان

پس از پرداختن به بحث لزوم مشارکت زنان و شناخت محدودیت هوا و موانع سر راه آنان، لازم است راهکارهایی برای رفع این مشکلات و نهادینه کردن مشارکت آنان در اجتماع اعمال شود. اگر می خواهیم زنان وارد عرصه جامعه شوند و از حقوق خدادادی خود به نحو احسن بهره مند شوند، چه اقداماتی باید انجام دهیم:

- ۱- به نقاط مثبت و ظرفیت های وجودی زن توجه کنیم و تصمیم گیری و مدیریت او را محدود به اداره نکنیم و توجه بیشتری به نقش او در خانواده و تصمیم گیری های خانوادگی نماییم.
- ۲- بایستی در برنامه ریزی ها و اقدامات مان در نظام اداری، برای زنان فعالیت هایی را در نظر بگیریم که در آنها مؤثرتر، کارآمدتر و موفق تر باشند زیرا امروزه با این روند حضور زنان در عرصه اشتغال نه تنها برابری و عدالت در مورد زنان تحقق پیدا نکرده است بلکه زمینه استثمار مضاعف را نوز فراهم آورده است. زیرا به اشتغال زنان، از دریچه نوعی اشتغال ارزان قیمت نگریسته می شود چون زنان در سطح دستمزد کمتری از مردان حاضر به کار می شوند.
- ۳- زنان خود نیز می توانند با ایجاد سازمان های غیر دولتی خیر خواهانه، گام بزرگی را در زمینه مشارکت برداشته و بسیاری از خوبیها و حرکت های انسانی را در جامعه نهادینه کنند.
- ۴- از طرف دیگر دولتمردان کشور ما نیز بایستی با سیاست گذاری های خود فضای لازم را برای بوجود آمدن چنین سازمان هایی فراهم کنند؛ یعنی از یک طرف سازمان های مردمی ایجاد شود و از طرف دیگر نظام اداری، زمینه های پشتیبانی و حمایت های حقوقی، سیاسی و اجتماعی را فراهم کند.

روشهای موثر برای مدیریت مخارج زندگی:

پول در زندگی همه افراد نقشی اساسی دارد و اهمیت آن برای تمام کسانی که زندگی اجتماعی دارند، مشخص است. هر چند که نباید تمام زندگی را در پول دید و خوشبختی را با میزان پولی که به دست می آوریم مقایسه کرد، اما باید قدر و ارزش واقعی پول را بدانیم و باید تلاش کنیم تا مانع بروز مشکلات ناشی از بی پولی در زندگی شویم. پس باید سعی کنیم و یاد بگیریم که مخارج و هزینه های خود را کنترل کنیم. همین طور خوب خواهد بود اگر از سنین خردسالی به کودکان بیاموزیم که چگونه پول خود را خرج کنند. این یکی از مهارت های اصلی زندگی در عصر حاضر است؛ مهارتی که باید از همان دوران کودکی به فرزندان مان آموزش دهیم. با کنترل کردن مخارج و درآمدها می توان راحت تر زندگی کرد و دارایی را افزایش داد. گاهی اوقات مخصوصاً با پیش آمدن هزینه های پیش بینی نشده، صرفه جویی به سختی راه رفتن روی آب است. پس همیشه باید به فکر هزینه های مختلف زندگی باشیم.

هزینه هایی که هر لحظه ممکن است از راه برسند. با دقت در مقدار پولی که اینک در اختیار دارد و میزان پولی که به دست خواهید آورد، می توانید الگویی برای خرج کردن خود پیدا کنید. برای کنترل هزینه ها و مخارج زندگی، اگر نگوئیم این نکات بسیار ضروری است باید اذعان کنیم دانستن آنها می تواند کمک بزرگی به شیوه هزینه کردن ما باشد. در حقیقت مدیریت خرج کردن با پس انداز تمام درآمد و صرفه جویی محض تفاوت دارد. آن چه همه ما باید بدانیم این است که با پول خود چه کار کنیم و آن را چگونه هزینه کنیم نه اینکه فقط پول را پس انداز کنیم. در مدیریت بودجه بندی و کنترل هزینه ها، همیشه هم ممکن است موفق نشوید. اگر بی توجه به مقدار پولی که دارید، هر چقدر می خواهید خرج کنید، بدانید و مطمئن باشید که موفق نخواهید بود.

همین طور حتماً باید اول هزینه ها را بنویسید و اولویت آنها را مشخص کنید؛ عدم انجام این کار یا عدم توجه به آن نیز باعث شکست در برنامه های کنترل هزینه های شما می شود. همچنین همیشه هزینه هایی پیش بینی نشده وجود دارند که سر زده از راه می رسند؛ عدم توجه به آنها هم دردسر آفرین خواهد بود.

اولویت بندی مخارج

مدیریت هزینه ها و بودجه بندی شخصی را می توان با نوشتن فهرست مخارج و اولویت بندی آنها شروع کرد. زمانی که شما برای مخارج خود برنامه ریزی می کنید، در مراحل اولیه، طبیعی خواهد بود که مخارج شما بیشتر از درآمدها باشد. اما همیشه اولویت های اصلی را در نظر بگیرید؛ سپس برای سایر مخارج خود برنامه ریزی کنید. هزینه هایی مانند هزینه بیمه اتومبیل، نوسازی منزل و... فقط سالی یک بار یا در برخی موارد شش ماه یک بار هستند، ولی نباید از آنها غافل شد.

اما همیشه سخت ترین بخش کنترل هزینه ها، مربوط به هزینه های ماهانه است مانند قسط وام ها، اجاره محل (یا محل کار) پرداخت قبض های آب و برق و... که باید برنامه ریزی دقیقی برای پرداخت آنها داشته باشیم. اما هزینه هایی هم هستند که معمولاً نسبت به سایر هزینه ها ناچیز به نظر می رسند و هفته ای یکبار یا روزی یکبار صورت می گیرند. مثل خرید مایحتاج منزل، هزینه ایاب و ذهاب و... در کنار همه این هزینه ها، برخی از مخارج هم وجود دارند که به میل خود ما انجام می شوند. در حقیقت ما می توانیم بدون آنها هم زندگی کنیم، اما ترجیح می دهیم که آنها را داشته باشیم؛ مواردی مثل خرید لوازم منزل، کتاب، مجله و... از این گونه هزینه ها هستند. عدم دقت و توجه در این گونه مخارج معمولاً در دسر ساز خواهند بود.

همچنین هزینه های پیش بینی نشده مانند تعمیرات ضروری در منزل، خدای نکرده هزینه های درمانی و بیمارستانی یا تعمیرات ماشین شخصی نیز هر لحظه ممکن است در زندگی پیش بیاید. باید همیشه به این گونه هزینه ها هم دقت کنیم و به فکر آنها باشیم. اما این که کدامیک از هزینه ها باید حتماً انجام شوند و کدامیک را می توان حذف کرد، نکته بسیار مهمی است که در موفقیت یا عدم موفقیت ما در کنترل بودجه زندگی، نقش اساسی دارد. معمولاً همیشه مخارج سر پناه و غذا اولویت اول هستند. هر هزینه ای که مربوط به خانه باشد، از اجاره گرفته تا تعمیرات حتماً باید انجام شود. پس از هزینه های منزل باید پرداخت قبوض آب و برق و گاز و... نیز جزو اولویت های اصلی باشد. در ضمن اگر شغل شما وابسته به ماشین و وسیله نقلیه شماست برای کسب درآمد، هزینه های ماشین نیز باید جزو هزینه های اساسی قرار گیرد. همچنین بیمه ها و نظیر آنها نیز باید جزء اولویت های اصلی مخارج و هزینه های شما باشد. حتماً دقت کنید تا اول هزینه ها و مخارج واجب و ضروری را در نظر بگیرید و سپس بقیه مخارج را انجام دهید.

پس از فهرست کردن این مخارج، اگر به این نتیجه رسیدید که برای تأمین اولویت های اولیه زندگی خود در آمد کافی ندارید، باید فکری به حال درآمد خود بکنید و یا از هزینه ها به نحوی بکاهید. یکی از شیوه ها می تواند این باشد که هزینه هایی که فعلاً واجب نیستند را به ماه های آینده موکول کنید. زمانی که مخارج شما کمی تحت کنترل درآمده باشد. همچنین بهتر خواهد بود در مواقعی که می توانید، مخارج و هزینه های خود را نقدی پرداخت کنید تا در کارت اعتباری شما پولی باقی بماند.

سعی کنید که در هزینه های آب و برق و گاز و تلفن نیز صرفه جویی کنید. با این کار هم در مصرف انرژی

صرفه جویی کرده اید و هم مخارج خودتان را کاهش داده اید. کار مهم بعدی این است که تمام مخارجی را که طی یک ماه انجام می دهید، به دقت یادداشت کنید؛ بعد می توانید بر اساس آنها تصمیم بگیرید که چه مواردی را باید حذف کنید تا به شما و زندگی تان لطمه ای وارد نشود. همه ما باید از دوران کودکی به فرزندان مان بیاموزیم که قدر پول را بدانند و بدانند که چگونه و کجا باید پول خود را خرج کنند.

کودک و پول

برای این کار و درک بهتر بچه ها از خرج کردن پول، خوب است زمانی که برای خرید می رویم کودکان را نیز با خود همراه کنیم. در این شرایط آنها شیوه هزینه کردن ما را خواهند دید و یاد خواهند گرفت که چگونه خرج کنند. اگر آنها به سنی رسیده اند که می توانند خودشان مبلغی را خرج کنند می توانید پولی به آنها بدهید تا خودشان خرید کنند و با این کار متوجه اشتباه های خود هم می شوند. اگر پولی در اختیارشان می گذارید، اهمیت پول را هم به آنها تفهیم کنید. می توانید به آنها یاد بدهید که پول خود را جمع کنند تا بتوانند وسایل بهتر و بزرگتری مانند بازی های کامپیوتری، دوچرخه و... بخرند. کودکان زیاد نمی توانند حساب خرج های خود را داشته باشند. پس به آنها کمک کرده و پول و حساب خرج هایشان را به جای ماهانه، روزانه یا هفتگی کنید تا برای آنها نیز راحت تر باشد.

یکی از شیوه های خوب این است که پولشان را داخل پاکتی گذاشته و به آنها بدهید و از بچه ها بخواهید هر مبلغی از پول را که خرج می کنند روی همان پاکت بنویسند. در ضمن می توانید برای خوب خرج کردن آنها نیز هدیه ای در نظر بگیرید. با این شیوه آنها هم می توانند متوجه لزوم داشتن الگویی برای خرج کردن خود بشوند.

یک خانم خانه چگونه هزینه های زندگی را مدیریت کند؟

مدیریت خرج و مخارج و هزینه های زندگی به عهده مرد خانه است ولی در این بین خانم خانه هم باید دستی در این مدیریت داشته باشد. برای مدیریت اقتصادی خانه باید ۴ هنر مهم را بلد باشند. این هنرها عبارتند از:

۱. هنر اول برای مدیریت هزینه های زندگی برنامه ریزی است.
۲. هنر دوم برای مدیریت هزینه های زندگی بودجه بندی است.
۳. هنر سوم پس انداز کردن است.
۴. هنر چهارم برای مدیریت هزینه های زندگی، اصلاح الگوی مصرف است.

اکنون باید ببینیم که یک خانواده متعهد با چه راهکارهایی می‌تواند به تولید کشورش سرعت ببخشد؟

۱. ایجاد و تربیت نیروی انسانی. خانواده اولین محل پرورش نیروی انسانی سالم و مولد کار است. این خانواده‌ها هستند که با تربیت صحیح فرزندان‌شان انسان‌هایی تولیدگر و عاشق کار تحویل جامعه می‌دهند یا آنکه با اهمال در تربیت، انسان‌هایی تنبل و صرفاً مصرف‌گرا.

۲. به کاراندازی ارث، عیدی و هدایا در چرخه تولید. با کمی دوراندیشی به جای نگهداری صرف آنها در کمد و میز یا زیرفرش می‌توان این اموال را به سرمایه و ثروتی برای آینده خانواده تبدیل کرده و به شتاب تولید در کشور هم کمک نمود. طبق گزارش رییس اتحادیه طلا و جواهر کشور فقط در سال ۹۶ حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ تن طلای ساخته شده، توسط مردم خریداری شده و در منازل آنان نگهداری می‌شود که اگر این میزان طلا وارد چرخه صحیح تولید شود آن وقت باید صحبت از جهش تولید در ایران داشت.

۳. مدیریت بخردانه. بدون شک کنترل احساس و ندیده گرفتن اظهار نظرهای نامستولانه اطرافیان در انتخاب الگوی مصرف و خرید کالاها و خدمات، از ویژگی‌های مدیریت اقتصاد خانواده است. در مدیریت بخردانه، اینکه دیگران چه می‌گویند و انگاره‌های فرهنگی، افکار عمومی و عرف چه اجبارهایی را مطرح می‌سازند، باید متأثر از امکانات و ضرورت‌های مادی خانواده و در جهت شکوفایی استعدادها و خلاقیت‌های انسانی آنان قرار گیرد، نه اینکه ماشین‌وار تقلید شود. اگر این رویه معیوب را همه خانواده‌ها در پیش بگیرند باید فاتحه تولید یک کشور را خواند. امام صادق علیه السلام فرمود: مؤمن یاری کردنش نیکو و خرجش سبک است، زندگیش را خوب اداره می‌کند، از یک سوراخ دو بار گزیده نمی‌شود (یعنی از یک راه دو بار گول نمی‌خورد، بلکه در همان بار اول عبرت می‌گیرد).

۴. اصل قرارداد ساده‌زیستی در زندگی به طوری که افراد عضو خانواده براساس اولویت‌های مورد نیاز حتمی و ضروری خانواده مخارج خود را مدیریت کنند. باید گفت که بین اشرافی‌گری و نابود کردن تولید داخلی بویژه تولیدهای خرد، رابطه قاعده‌مند و معناداری وجود دارد.

۵. راه‌اندازی کارگاه‌های تولیدی کوچک در خانه. با یک سرمایه اندک به عنوان مثال می‌توان تولیدات پوشاک مانند جوراب و دستکش و ... یا تولید مواد غذایی مثل تهیه فلافل، ترشی و خیار شور، مرباجات یا نان خانگی راه‌اندازی نمود و در روستاها و مکان‌های مناسب به پرورش مرغ خانگی یا دامداری‌های کوچک یا پرورش قارچ اقدام کرد. این اقدامات اگر به‌طور گسترده صورت گیرد به درآمد خانواده کمک می‌کند و بالطبع به چرخه تولید سرعت می‌بخشد.

۶. خرید کالاهای وطنی. از مهم‌ترین اقدامات یک خانواده چه در زمان خرید کالاهای مصرفی روزانه چه برای خرید جهیزیه یا سایر کالاهای مورد نیاز، تعصب بر خرید کالاهای تولید داخل باید باشد. تقویت روحیه و عزم جهادی در تمامی خانواده‌ها به طوری که در سخت‌ترین شرایط خرید اجناس و کالاهای تولید داخل را بر کالاهای خارجی ارجح بدانند از لوازم قطعی و بدون تردید در حمایت از تولید داخلی و جهش بخشی به آن است.

آنکه در شرایط سخت کنونی هرچند مثل همیشه فرهنگ زیربناست لکن از اولویت بخشی مقطعی به اقتصاد نباید فراموش کرد و از بهترین کمک‌های اقتصادی کمک به چرخه تولید کشور خواهد بود و در کشور ما که خانواده به عنوان اصلی‌ترین رکن و تأثیرگذارترین نهاد محسوب می‌شود باید اعضای آن که هرکدام یک عضو از جامعه هستند، اقتصاد جامعه را صرفاً دولتی نبینند، بلکه مانند یک عضو جدید او را قلمداد کنند و با راهکارهای فوق از زاویه تولید با او رفتار کنند.